



در دوبله‌های سینمایی وی همکاری مستمری هم با استاد خسرو و شاهی داشت که چند تا از آثار ذکر شده را شامل می‌شد. یکی از نقش‌های درخشان وی که به دلیل عدم پخش کافی زیاد دیده نشد، حرف‌زدن به جای ویوین لی در شاه‌نقش فیلم ماندگار رمانتیک تاریخ سینما، «پیل واترلو» (مروین لیروی) بود که برای اکران در سینماها کار شد و ناظران با استفاده وسیعی از «معصومیت» و «حجب» در صدا، وجوه ترازیک این اثر را مضاعف کرد. از مدیران دوبلاژ دیگری که در این برهه و در دوبله‌های سینمایی با ناظران همکاری پیوسته‌ای داشت می‌توان به منوچهر زمانی هم اشاره کرد و به همین واسطه میزان زیادی در فیلم‌های ایتالیایی ما صدایش را روی چهره‌های معروفی چون سیلوا کوشینا، سیلوانا منگانو، مونیکا ویتی و... هم می‌شنویم. این همکاری منجر به دو نقش ماندگار در آثار «جیمز باند» هم شد که وی نقش باند گرل اصلی این فیلم‌ها را گفت که به تریب بریت اکلند در نقش مری گودنایت در «مرد طپانچه طلایی» و باربارا باخ به نقش سرگرد آماسا در «جاسوس‌های که دوستم داشت» بود. ناظران در کنار منوچهر زمانی که به جای خود جیمز باند (با بازی راجر مور) سخن گفته، بسیار دلنشین حرف زده است و هنوز «جیمز» گفتن‌هایش با آن تشدید روی حرف «ز» در یادها مانده است.

اما کمی روی ویژگی‌های اصلی صدا و تکنیک‌های منحصر به فرد گویندگی ناظران تمرکز می‌کنیم. صدای شهلا ناظران از لحاظ زیبایی‌شناسی جزء صداهای نسبتاً تم و گوشنواز محسوب می‌شود. صدایی که به خودی خود آهنگی بسیار زیبا و سرزنده داشت. صدایی شفاف که لطافت خاصی هم داشت و چون وی به ادبیات فارسی هم اشراف کامل داشت به خوبی نحوه استفاده صحیح آن را می‌دانست و کاملاً درست و اصولی با حسن اندازه، کلمه‌ها و جمله‌ها را ادا می‌کرد. صدای ناظران در ابتدا یک صدای دخترانه‌بم و بسیار محبوب بود که در اثر گذر زمان از حجب آن کاسته و به آن پختگی اضافه شد. یکی از ویژگی‌های اصلی صدایش،

شرافت، احمد رسول‌زاده، عطالله کاملی، مهدی علی محمدی و... در کار مدیریت این فیلم‌ها را با کیفیتی آرمانی و با گروهی از بهترین گوینده‌ها که در اوج دوران کاری خود بودند دوبله کردند که در این بین نقش محوری ناظران هم بسیار چشمگیر بود. اگر نگاهی به نقش‌گویی‌های ایشان در این زمان ببینیم از تنوع این آثار حیرت‌زده می‌شویم. با هم نگاهی به بعضی از آن‌ها می‌اندازیم: چون فونتین در «به‌کا»، الیویا دهاویند در «داج سیتی»، مورین اوهارا در «دره من چه سرسبز بود»، ریتا هیورث در «خون و شن»، مری آستور در «شاهین مالت»، جنیفر جونز در «جدال در آفتاب» (دوبله دوم)، لورن باکال در «گذرگاه تاریک»، آلیدا والی در «مرد سوم»، جین وایمن در «باغ وحش شیشه‌ای»، ویرجینیا مایو در «کاپیتان هوراشیو»، لی رمیک در «رودخانه وحشی»، جین تیرنی در «لورا»، آن شردان در «آن‌ها در شب راندند»، جون کالینز در «شجاعان» (دوبله سوم)، اینگرید برگمن در «کازابلانکا» (دوبله دوم) و «ژاندارک» و... که اغلب این آثار از نقش‌های برجسته کاراکترهای زن در تاریخ سینما بهره می‌برند.

خانم ناظران در این برهه پس از شکل‌گیری زنگ اصلی صدا در دوبله‌های سینمایی هم حضور تعیین‌کننده‌ای داشته و رل‌های اساسی را گفته که برخی از آن‌ها از این قرارند: سیلوانا منگانو «باراباس»، مریل استریپ «کریمر علیه کریمر»، روسانا پودستا «هلن قهرمان ترا»، آن مارگرت «زمانی که دزد بودم»، ناتالی دلون «سامورایی» - دوبله اول، جنت مارگولین «پول رو بردار و فرار کن»، جوان وودوارد «پیروزی»، دایان کیتسون «خواب‌آلود»، تالیا شایر «راکی»، ماریسا برانسون «بری لیتدون»، مارشامیسون «دختر خداحافظی»، مریل دارک «شتاب‌زده»، اورنلا موتی «دایره خونین»، بریت اکلند «گاوباز خوشگذران»، ژاکلین بیسه «پولیت»، جودی فاستر «راننده تاکسی» و... که تمامی این بازیگرها از زیاده‌های تاریخ سینما بودند و لطافت و زبانه صدای ناظران به‌تجوی حق مطلب این چهره‌ها را ادا می‌کرد.

که صدا، آن پختگی و جذابیت و یونیک بودن را پیدا کند و به اصطلاح به صیقل نیاز داشت. اما در عین حال حضور مؤثر وی را در نقش‌های کوچک در فیلم‌های بزرگ می‌بینیم من جمله حرف‌زدن به جای ریتا توشینگهام در دوبله ماندگار «دکتر ژوواگو» و یا مگی بلای در دوبله اول فیلم «مرد» (مارتین ریت) که مدیر اولی زنده‌یاد علی کسمایی و دومی ابوالحسن تهامی بود و ما صدای ناظران را در کنار بزرگانی چون ژاله کاظمی، جلال مقامی، منوچهر اسماعیلی، منوچهر زمانی و رفعت هاشم‌پور می‌شنویم که به جای دو کاراکتر زن نوجوان حرف زده است.

اما در این بین نقش محوری و بسیار تأثیرگذار استاد سعید شرافت در پرورش و شکوفایی هنر ناظران انکارنشدنی است. زنده‌یاد شرافت علاوه بر این که به توان و استعداد ناظران اعتقاد داشت، به لحاظ عاطفی هم تعلق خاطر خاصی به وی داشت که بعدها منجر به ازدواج اول ایشان شد و در این دوران یعنی نیمه اول دهه ۴۰ به واسطه اعتماد و حمایت استاد شرافت، ناظران سه نقش اول یا به اصطلاح اصلی زن می‌گویند که به ترتیب حرف‌زدن به جای کاترین دونوو در دوبله «مایرلینگ»، جین پیترز در فیلم «نیاگارا» در کنار نقش‌گویی خود شرافت، و دایان سیلنتور در فیلم «رنج و سرمستی» در کنار زنده‌یادان ایرج ناظران و چنگیز جلیلود است.

اما با ورود به نیمه دوم دهه ۴۰ و خصوصاً دهه ۵۰ هم‌زمان با تأسیس تلویزیون ملی ایران، سرعت پیشرفت کاری ناظران اوج می‌گیرد و وی با کسب تجربه لازم و ابدیدگی موفق به دستیابی به زنگ اصلی صدا و پختگی در بیانش می‌شود. اگر نگاهی به دوره اول کاری وی ببینیم، صدایش بدرغم زیبایی اندکی خام است ولی در عین حال معصومیت و شادابی‌ای دارد که زنگ دلنشینی به آن داده است و علاقمندان به دوبله به سختی می‌توانند صدایش را تشخیص دهند. اما گذر زمان، جنس صدا و فرکانس‌های آن را متعطف‌تر کرد و نوعی پختگی دلپذیر هم به صدا افزوده شد که صدای شناخته‌شده و آرمانی ایشان شکل گرفت.

هم‌زمان با این تحول، دوبله‌های تلویزیونی هم از راه می‌رسند و باز هم با حمایت بزرگانی همچون سعید شرافت، طه‌الله کاملی و احمد رسول‌زاده، دوران نوین و طلایی کاری ناظران شروع می‌شود.

یکی از سیاست‌های دست‌اندر کاران تلویزیون ملی در آن زمان، دوبله فیلم‌های دهه ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ یعنی دوران درخشان سینمای کلاسیک هالیوود برای تأمین برنامه تلویزیون بود. اکثر این آثار طبیعتاً تاریخ اکران‌شان گذشته بود ولی تصمیم گرفته شد برای ارتقاء سطح فرهنگی مردم و سرگرمی‌شان دوبله و پخش شوند. در این حرکت ارزشمند سه نفر نقشی تعیین‌کننده و محوری داشتند که به ترتیب هوشنگ لطیف‌پور، پرویز بهرام و هوشمند مهر آسا بودند که اغلب مدیران دوبلاژ و نقش‌ها را آن‌ها مشخص می‌کردند و همچنین بزرگانی چون سعید



چون وی به ادبیات فارسی هم اشراف کامل داشت به خوبی نحوه استفاده صحیح آن را می‌دانست و کاملاً درست و اصولی با حسن اندازه، کلمه‌ها و جمله‌ها را ادا می‌کرد